

تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه

مطالعه‌ای تطبیقی در خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران

* مریم رفعت‌جاه

دانشیار گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مژگان رضایی

کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

چکیده

مسئله هویت از مضامین مهمی است که هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی- فرهنگی می‌تواند ابزار گویایی برای فهم شرایط موجود جامعه باشد. یکی از منابع تغییرات هویتی به‌ویژه در بعد فرهنگی تجربه محیط‌های جدید زندگی است. نمونه‌ای از آن در مورد دختران جوانی مصداق دارد که برای ادامه تحصیل به شهری دیگر و به محیط زندگی خوابگاهی وارد می‌شوند. پژوهش حاضر برای شناخت چگونگی هویت فرهنگی دختران ساکن خوابگاه، با رویکرد کیفی پدیدارشناختی انجام شده است. افراد نمونه از میان دختران ساکن در خوابگاه‌های شهر تهران به شیوه نمونه‌گیری نظری (تعیین پیشینی ساختار نمونه) و با لحاظ کردن دو عامل نوع خوابگاه و میزان پایبندی دینی، که در مطالعات اولیه تاثیر آنها بر موضوع مطالعه تایید شد انتخاب شدند. هویت فرهنگی را در ابعاد خانوادگی، دینی، جنسیتی و خوابگاهی مورد مطالعه قرار داده ایم. بر اساس یافته‌ها در خوابگاه‌های دولتی، دختران مذهبی از نظر هویت فرهنگی با انسجام هویتی بیشتر و چالش‌های هویتی کمتری مواجه بودند و دختران غیرمذهبی دارای تعلق و هویت خانوادگی پررنگ‌تر بودند و به علاوه احساس تعلق پایینی نسبت به خوابگاه دولتی خود داشتند، گرایش بیشتری به هویت جنسیتی مدرن داشته و در مجموع دارای انسجام هویتی کمتری بودند.

* (نویسنده مسئول) rafatjah@ut.ac.ir

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

DOI :10.22051/jwsps.2019.21923.1814

در خوابگاه های خصوصی، دختران مذهبی احساس تعلق پایینی به خوابگاه داشتند و دختران غیرمذهبی که غالبا دارای تعلقات خانوادگی نسبتا بالا و هویت خانوادگی قوی بودند افراد خوابگاه را قابل اعتماد و معاشرت نمی دانستند. این افراد رویکرد نقادانه به منابع سنتی هویت یابی پیدا کرده و سعی داشتند هویتی ورای ارزش های مسلط در جامعه ارائه دهند که به ارزش های مدرنیته غربی نزدیک تر بود.

واژگان کلیدی

هویت فرهنگی، زیست جهان، هویت خانوادگی، هویت دینی، هویت جنسیتی.

مقدمه و بیان مسئله

هویت فرهنگی برداشتی از خویشتن است که از عضویت (رسمی یا غیر رسمی) در یک گروه اجتماعی نشأت می گیرد و بر مبنای انتقال و گسترش دانش، باورها، ارزش ها، نگرش ها، سنت ها و شیوه های زندگی معین و مشترکی بین اعضا استوار است (دافنه^۱، ۲۰۰۷: ۳۵۲؛ متیوز^۲، ۲۰۰۰: ۱۱). اگر فرهنگ را ارزش ها و همچنین هنجارهایی که یک گروه معین از آن پیروی می کنند بدانیم، هویت فرهنگی، عبارت است از همبستگی و یکپارچگی بافت معنوی یک گروه، اجتماع و یا جامعه که به واسطه آن، افراد یک حوزه، خود را متعلق به هم می دانند و از نظر دیگران متعلق به هم شناخته می شوند. در این معنا هویت فرهنگی در سطح فردی، میزان هم نوایی و پذیرش هنجارهای فرهنگ کلی جامعه و نهادهای اجتماعی (خانواده، دین، دولت و...) فهم می شود، اما در عین حال می تواند به معنای مجموعه ارزش ها و الگوهای فکری و رفتاری هر فرد نیز باشد زیرا که افراد همواره مطابق الگوهای مصوب جامعه و فرهنگ مسلط فکر و عمل نمی کنند. هویت فرهنگی برخلاف فرهنگ که بیشتر با فرایندهای ناخودآگاه در ارتباط است، با نوعی تعلق که غالبا خودآگاه است مرتبط می شود، زیرا بر تمایزهایی نمادین مبتنی است (گیدنز، ۱۳۹۷: ۳۹).

^۱. Daphne, J.

^۲. Mathews G.



از طرف دیگر فرهنگ به معنای مجموعه الگوهای فکری و عملی و به‌ویژه ارزش‌ها و نگرش‌های غالب و رایج در یک اجتماع یا جامعه، تحت تاثیر عوامل گوناگون اقتصادی، سیاسی، دینی و محلی و از طریق محیط‌ها، تعاملات و ارتباطات بین‌فردی، گروهی و جمعی جدید، در معرض دگرگونی است و چه بسا در نتیجه دگرگونی آن برخی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی بشوند.

در کشور ما، ایران، در دهه‌های اخیر، دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژی‌های وارداتی، ارزش‌ها و نگرش‌های جدیدی پدید آمده‌است که الگوهای سنتی اندیشه و عمل و در نتیجه هویت‌های موجود را زیر سؤال می‌برد. تفاوت و گاه تضاد الگوهای فکری و عملی سنتی و جدید که در اثر عوامل گوناگونی روی می‌دهد، چالش‌های هویتی متعددی را پدید می‌آورد. شناسایی این چالش‌ها به‌ویژه در بعد فرهنگی، مطالعات وسیعی را ایجاب می‌کند تا هم روند تغییرات فرهنگی ترسیم شود و هم بتوان برای رفع چالش‌ها و کشمکش‌های هویتی که همواره موجب تنش‌های فردی و اجتماعی است چاره‌جویی کرد. یکی از منابع تغییرات هویتی به‌ویژه در بعد فرهنگی تجربه زیست جهان‌ها و محیط‌های زندگی جدیدی است که هم شرایط جدیدی را به افراد تحمیل می‌کند و هم آنها را با محیط‌های جغرافیایی و اجتماعی جدید آشنا می‌سازد. نمونه‌ای از این موارد در مورد دختران جوانی مصداق دارد که برای ادامه تحصیل از شهر و خانواده خود دور شده و به شهری دیگر و به محیط زندگی خوابگاهی وارد می‌شوند.

محیط‌های متفاوت بر روی انسان و رفتار و هویت او تأثیر می‌گذارد، در واقع هویت ما در فرایند تعامل با دیگران و تعامل با محیط تغییر می‌کند. محیط جدیدی مانند خوابگاه و برخورد با انسان‌های جدید باعث شکل‌گیری روابط، تجربه‌ها و اتفاقات جدیدی می‌شود. داشتن ارتباط طولانی و زندگی کردن با افرادی که هم‌اتاقی نامیده می‌شوند زمینه ساز پیدایش ارزش‌ها و هنجارها و تعاریف جدید است. از نظر برگر، «مردمی که برای نخستین بار با یکدیگر آشنا می‌شوند، می‌کوشند به هویتی رابطه‌ای دست پیدا کنند یعنی نقطه مشترکی بیابند که وجه تشابه آنها با یکدیگر و وجه تمایز آنها از دیگران است. این کار موجب می‌شود، هریک از افراد نقش‌های متمایزی به

عاهده گیرند و بهتر بتوانند با هم کنار بیایند. در سطح بالاتر، وقتی افراد هویت مشترکی را بین خودشان کشف می‌کنند، ممکن است از این طریق به نوعی انسجام دست یابند.» (هیس^۳، ۱۹۹۸: ۲۰۲؛ لاورز^۴، ۲۰۰۸: ۸)

خوابگاه در نظر ما محل سکونت موقت، مکانی با امکانات محدود و اولیه است که دانشجوی برای ادامه تحصیل در آنجا استقرار پیدا می‌کند. فرد با ورود به خوابگاه از محیط آشنایی که سال‌ها در آن زندگی کرده جدا می‌شود و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرد. زندگی در این محیط جدید با افرادی از فرهنگ‌ها و سلیقه‌های گوناگون منجر به شکل‌گیری تعاملات خاصی می‌شود که چه بسا هویت فرهنگی فرد را در معرض تغییر و تحول قرار دهد. در نتیجه ممکن است وقتی که این افراد با این الگوهای جدید به شهر و خانواده و فرهنگ بومی خود برمی‌گردند، با چالش‌های جدی هویتی مواجه شوند و نابسامانی‌هایی برای خود فرد در ارتباط با خانواده و اجتماع ایجاد شود. آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، هویت فرهنگی دانشجویانی است که در شهر محل تحصیلشان در خوابگاه سکونت می‌گزینند. در این راستا بحث هویت فرهنگی در میان قشر دانشجویان به مثابه نقطه کانونی مسئله هویت از اهمیت شایانی برخوردار است. دانشجویان به سبب ویژگی سنی و جوان بودن و نیز به خاطر گستردگی شبکه روابطشان با افراد دارای هویت‌های مختلف و تفکر نقادانه‌ای که در مورد سنت‌ها و رویه‌های فکری و عملی زندگی دارند بیشتر در معرض مسائل و چالش‌های هویتی قرار دارند؛ زیرا، از یک سو فضای دانشگاه و خوابگاه، آنها را با ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای جدید اندیشه و عمل آشنا می‌کند و از سوی دیگر خانواده و بدنه جامعه بزرگتر معمولاً انتظار حفظ و پیروی از فرهنگ سنتی را از آنها دارد. این شرایط در بیشتر اوقات به هویت‌های ترکیبی و چندگانه‌ای منتهی می‌شود که با هویت مورد انتظار جامعه و حتی خود نظام آموزش عالی کنونی ایران متفاوت است. از این رو مسئله این پژوهش عبارت است از:

^۱Heis, D. R.

^۲Lawers, S.



شناسایی هویت فرهنگی و چالش‌های هویتی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه و تفاوت اولویت‌بندی مؤلفه‌های مهم تشکیل دهنده آن در خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران.

پیشینه تحقیق

جوادی یگانه و عزیزی در سال ۱۳۸۷ مطالعه‌ای بر روی هویت فرهنگی و اجتماعی جوانان شهر شیراز به روش پیمایشی انجام دادند. هدف این پژوهش شناسایی میزان تعلق جوانان به هویت فرهنگی و اجتماعی و عوامل موثر بر آن بوده و بر روی دانش آموزان سال سوم متوسطه شهر شیراز انجام گرفته‌است. نتایج نشان داد که در بعد اجتماعی، ۹۲ درصد و در بعد فرهنگی، ۷۵ درصد پاسخ‌گویان، به عناصر هویتی در این دو حوزه احساس تعلق بالا دارند.

صدیق سروستانی و قادری در سال ۱۳۸۸ به مطالعه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن پرداختند. براساس دیدگاه نظریه پردازان ایرانی حوزه هویت، عرصه مواجهه سنت و مدرنیته، مهم‌ترین منبع هویت‌یابی بوده است. لذا سعی شد ابعاد هویت دانشجویان با توجه به مؤلفه‌های سنتی و مدرن بررسی شود. فرض اصلی این پژوهش پیوندی بودن هویت دانشجویان به معنای ترکیبی از مؤلفه‌های هویتی سنتی و مدرن است. روش این مطالعه، پیمایشی و جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه‌های تهران بودند. یافته‌های تحقیق نشان داد مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند، اما در بخش هویت سیاسی، مؤلفه‌های سنتی، یعنی گرایش به آمیختگی دین و سیاست و گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی (در مقابل گرایش به ایجاد جامعه مدنی) نقش برجسته‌تری در هویت دانشجویان دارد. همچنین هویت دانشجویان سازه‌ای ترکیبی و متشکل از عناصری از هویت‌های سنتی و مدرن است.

کلاهی طی پژوهش دینداری و جهانی شدن (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر جهانی شدن بر هویت‌های دینی پرداخته‌است. در این پژوهش جهانی شدن «بسط جهان غریبه» دانسته شده؛ جهانی که از دیالکتیک میان «ذهنیت کنشگران جهان نزدیک» با «عینیت عناصری که از جهان دور

آمده‌اند» شکل گرفته است. بسط جهان‌گرایی، عناصر جهان آشنا و از جمله «دین داری» را دستخوش دگرگونی می‌سازد. در این مقاله، دین داری به چهار گونه تقسیم شده است. روش مدار، که در آن، روش‌های دست‌یابی به اهداف دینی و معنوی بر خود هدف‌ها اولویت دارند؛ هدف مدار که در آن اهداف اصالت دارند و روش‌ها می‌توانند متغیر باشند؛ اخلاق مدار که متعلقانش چهارچوب‌های کلی زندگی‌شان را بر اساس ضوابط اخلاقی و عقلانی می‌سازند و دین در کنار سایر بخش‌های زندگی‌شان قرار دارد؛ و عرف مدار که دین داری‌ای کمتر آگاهانه و بیشتر در تقلید از عرف رایج است. هر یک از این چهار دسته دینداران، با بسط جهان‌گرایی و عناصر آن مواجه‌های متفاوت دارند که چهار پیامد مختلف در پی خواهد داشت: خودآگاه شدن کنشگر، فعال شدن کنشگر، تیز شدن دین داری‌ها و ایجاد دینداری‌های بدیل.

نگین برات دستجردی در سال ۱۳۹۳ پژوهشی با عنوان «بررسی نقش شبکه‌های سایبری بر هویت فرهنگی دانشجویان دانشگاه اصفهان» انجام داده که با روش پیمایشی انجام شده و جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه اصفهان بوده است. نتایج آن نشان می‌دهد بین میزان، انگیزش و اهداف استفاده از شبکه‌های سایبری و هویت فرهنگی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود داشته و مهم‌ترین اهداف استفاده از شبکه‌های سایبری اهداف اجتماعی، ارتباطی، فردی و فرهنگی بوده است. همچنین، بین استفاده از شبکه‌های سایبری و هویت فرهنگی بر اساس متغیرهای جنس، مقطع تحصیلی و سن دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

سفیری و کلانی در سال ۱۳۹۵، پژوهشی با عنوان «چالش‌های هویتی زندگی روزمره جوانان در بستر تفاوت‌ها و تضادهای نسلی» انجام دادند. در این مطالعه که بر روی جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله در اصفهان انجام گرفته ضمن به کار گرفتن دیدگاه تفسیرگرایی اجتماعی و با استفاده از فن مصاحبه، تلاش شده نظریه‌ای زمینه‌ای استخراج شود. یافته‌های بدست آمده با استفاده از روش گراند‌تئوری شامل ۲۱ مقوله بوده و مقوله هسته‌ای و محوری این پژوهش، انتخابگری عناصر هویتی و یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، وجود تفاوت و تضاد نسلی میان نسل جوان و نسل قبلی بوده است.



صلواتیان و دولتخواه نیز در سال ۱۳۹۶، پژوهشی با عنوان «تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت فرهنگی دانشجویان» انجام دادند که در آن از میان شبکه‌های اجتماعی موبایلی، دو شبکه وایبر و واتس‌آپ انتخاب و تأثیر استفاده از آنها بر زبان، دیانت، پوشش، رفتار اجتماعی و اخلاق کاربران بررسی شد. روش انجام پژوهش پیمایشی و جامعه آماری آن دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. نتایج حاکی از آن بود که استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر ابعاد مختلف هویت فرهنگی شامل زبان، دیانت، پوشش، رفتار اجتماعی و اخلاق کاربران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

باقریان‌فر و همکاران در سال ۱۳۹۷، پژوهشی با عنوان «تبیین مؤلفه‌های هویت اجتماعی دانشجویان بر اساس استفاده از برنامه‌های پیام‌رسان موبایلی» انجام دادند. روش پژوهش پیمایشی و جامعه آماری آن دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان بوده است. یافته‌ها نشان دادند که برنامه‌های پیام‌رسان موبایلی رابطه منفی با هویت‌های ملی، قومی، جهانی و مذهبی و تأثیر منفی بر هویت اجتماعی دانشجویان دارند؛ بنابراین علاقه بیش‌ازحد دانشجویان به فضای برنامه‌های پیام‌رسان موبایلی ممکن است فضای تهدیدآمیزی برای هویت اجتماعی آنها فراهم کند.

چارچوب مفهومی

در پژوهش‌های کیفی نیز همچون پژوهش‌های کمی محقق می‌تواند از دانش نظری موجود درباره موضوع پژوهش بهره بگیرد. با این همه تفاوتی بنیادی در مورد نحوه استفاده از نظریه در این دو نوع پژوهش وجود دارد. غالب پژوهش‌های کیفی با رویکرد استقفا‌محلی به قصد شناسایی ابعاد متعدد و لایه‌های عمیق‌تر پدیده مورد مطالعه قرار می‌گیرند و با توجه به این که این نوع پژوهش‌ها غیراثبات‌گرا بوده و تفسیر‌گرایانه اند، در بهره‌گیری از رویکردهای نظری معمولاً سعی می‌شود نظریه و مفاهیم برآمده از آن، به صورتی انعطاف‌پذیر و همچون چراغی برای روشن کردن میدان و گردآوری داده‌ها لحاظ شود. از این رو محقق از مفاهیم و بصیرت‌های برآمده از نظریه بهره

می‌گیرد، ضمن آن که چشم خود را برای دیدن سایر داده‌ها باز نگه می‌دارد (دنزین، ۲۰۱۱، فلیک، ۱۳۹۴).

در مورد هویت سه رویکرد کلی وجود دارد که عبارت اند از: رویکرد ذاتگرا، رویکرد گفتمانی و رویکرد برساختگرا. رویکرد ذاتگرا هویت را امری ذاتی می‌داند و جوهری ثابت برای هویت انسان قائل است. مطابق این رویکرد چیزی همیشگی و ابدی در انسان وجود دارد که هستی او را معنا می‌دهد و هویت او را تعیین می‌کند. رویکرد دوم، هویت را دستاورد گفتمان‌ها می‌داند. از این منظر، تمام واقعیت‌های اجتماعی در گفتمان‌ها زاده شده و شکل می‌گیرند و خارج از گفتمان‌ها واقعیتی وجود ندارد؛ بنابراین از آنجا که هویت‌ها ریشه در گفتمان‌ها دارند و گفتمان‌ها متغیر بوده و ثابت نیستند، با دگرگونی گفتمان‌ها، هویت نیز تغییر می‌یابد. این رویکرد بر چگونگی پیدایش و سامان‌یابی گفتمان‌ها و هویت‌ها و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و کنشگر اجتماعی در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها تأکید دارد. در این رویکرد، هویت امری تاریخی، اجتماعی و محتمل است و نه طبیعی و ثابت. اما رویکرد سوم، هویت را برساخته‌ای اجتماعی می‌داند؛ بر این اساس، هویت حاصل شرایط اجتماعی و کنش‌های انسان‌ها و همواره در حال ساخته شدن است. انسان‌ها همواره چیزها یا اشخاص را طبقه بندی می‌کنند و خود را داخل آنها قرار می‌دهند. به بیان دیگر، هویت را فقط می‌توان از طریق پذیرش آگاهانه تشابهات و کنار گذاشتن تفاوت‌ها کسب کرد. ویژگی دیگر این رویکرد این است که منابع هویتی را نه در جهان مطلق و انتزاعی و نه در جهان زبانی، بلکه در جهان واقعی می‌جوید (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۴).

یکی دیگر از مفروضات این رویکرد، چند بعدی بودن هویت‌ها است. بر اساس نظریه برگر جهان‌پساستی (مدرن) جهان چندگانه شدن قلمروهای عمومی و خصوصی است. این چندگانگی زیست جهان در زندگی روزمره فرد حضور پیدا می‌کند و باعث می‌شود او برنامه‌ریزی‌های متکثری کند. در این برنامه‌ریزی، هویت فرد نیز وارد می‌شود، زیرا فرد در برنامه‌ریزی بلند مدت زندگی خویش در زمینه اینکه چه کسی خواهد بود، برنامه‌ریزی می‌کند. مرکزیت این برنامه‌ریزی معنایی است که او به زندگی‌نامه خویش و نیز معانی فراگیر جامعه نسبت می‌دهد که همگی به بروز



پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد دامن می زنند. در اینجا، فرد هویت را از طریق تعریف خود به دست می آورد؛ بنابراین هویت بخشی از یک ساختار معین آگاهی است (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۶، ۷۴). برگر معتقد است هویت مدرن مشخصاً باز، تفکیک شده، فردیت یافته و تأملی است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۵).

چارچوب مفهومی این پژوهش با الهام از رویکرد برساختگرایی پیتز برگر تدوین شده است. از نظر برگر زندگی در جوامع امروزی «فرد را با چشم اندازی پیوسته در تغییر از تجارب و معانی اجتماعی رو در رو قرار می دهد و او را وادار به تصمیم گیری ها و طرح برنامه های متنوع ساخته و به اندیشیدن وادار می دارد. بدین ترتیب آگاهی مدرن، به خصوص آگاهی های هوشیار، پرتنش و احتجاج آمیز^۵، است. گفتنی است که جنبه بازاندیشانه^۶، هویت مدرن، فقط به جهان بیرونی محدود نمی شود بلکه ذهنیت فرد و به ویژه موقعیت وجودی او را نیز در بر می گیرد. نه تنها جهان، بلکه خویشتن نیز به موضوع توجه آگاهانه و غالباً موشکافی مضطربانه تبدیل می شود.» (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۷)

برگر همچنین به مفهوم زیست جهان اشاره می کند که در جوامع پیشین دارای درجه بالایی از یکپارچگی بود. دلیل این یکپارچگی نیز نظم معنایی یکپارچه سازی بود که تمامی بخش های جامعه را در بر می گرفت. این نظم وحدت بخش معمولاً نظمی دینی بود. فرد به طور پیوسته علی رغم حضور در مکان های گوناگون، در «همان جهان» بود، اما در جوامع مدرن، موقعیت افراد متفاوت می شود. فعالیت های افراد، آنها را با جهان های معنایی و تجربی کاملاً مختلف و غالباً ناسازگار مرتبط می کند و این چندگانگی جهان زیست، نه فقط در سطح رفتار بلکه در سطح آگاهی نیز تأثیرات خاص خود را دارد (همان: ۷۴).

برگر این چندگانگی را مرتبط با دو تجربه خاص مدرن، یعنی شهرنشینی مدرن و ارتباط جمعی مدرن می داند (همان، ۷۰). این چندگانگی به شیوه های مختلف در زندگی روزمره افراد بروز

^۵ challengeable

^۶ reflexive

می‌کند. یکی از پیامدهای آن، مسیرهای مختلفی است که فرد باید از آن میان، یکی را برگزیند. در واقع، برنامه زندگی فرد که منبع اولیه هویت یابی فردی است، در جامعه جدید به شدت تحت تاثیر این چندگانگی‌ها قرار می‌گیرد (همان، ۸۲-۸۱).

محل پیوند آراء برگر با موضوع هویت در این است که پروژه طرح‌ریزی شده زندگی‌نامه فرد شامل هویت نیز می‌شود. به بیان دیگر، فرد در برنامه‌ریزی بلندمدت زندگی خویش در زمینه اینکه چه کسی خواهد بود نیز برنامه‌ریزی می‌کند. افراد برای تحصیل و به تبع آن در برنامه‌ریزی خود، وارد دانشگاه‌ها می‌شوند تا بتوانند با اخذ مدرک و مهارت‌ها، زمینه شغلی مناسب را برای خود ایجاد کنند. زندگی خوابگاهی بر روی سبک زندگی فرد، ارتباطات او و همچنین نوع کنترل اجتماعی و فردی تاثیر می‌گذارد و چه بسا هویت‌های خانوادگی، قومی، زبانی و جمعی با تغییر معاشران و ارتباطات میان فردی جدید به لحاظ اولویت و یا اهمیت و برجستگی دستخوش تغییر شوند. این وضعیت که عمدتاً در اثر مهاجرت دختران از فضای نسبتاً سنتی شهرهای کوچک به فضای باز و نسبتاً مدرن یک کلان شهر پدید آمده ممکن است به ترکیب و اولویت بندی جدید هویت‌های اجتماعی فرد منتهی شود. در فضای کلان شهر و طی زندگی دور از خانواده و تجربه فضای تحصیلی و معاشران خوابگاه چه بسا فرد به هویت‌های جدیدی دست یافته و در هویت‌های قبلی خود بازاندیشی کرده و نوعی هویت مدرن، چندگانه و فردیت یافته در او شکل گیرد.

بنابراین با توجه به توضیحات بالا می‌توان چهار مرحله را در بازسازی هویت فرهنگی متصور شد:

۱. مرحله سنتی (مبتنی بر فرهنگ رایج در خانواده فرد): فرد در آن با یک نظام ذهنی و عینی هماهنگ به تعریف هویت خود می‌پردازد.
۲. فاصله گرفتن از هویت‌های سنتی: در این مرحله فرد از فضای سنتی و معمول خود خارج و با هویت‌ها و ارزش‌های جدید آشنا و دستخوش چالش‌های هویتی می‌شود.
۳. قرار گرفتن در معرض هویت مدرن: در این مرحله فرد برای تعریف چستی و کیستی خود بیشتر از ارزش‌ها و ساختارهای فضای جدید استفاده می‌کند، اما در تعریف هویت خود توجه کمتری به ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های فردی خودش دارد.



۴. پذیرش هویت مدرن: در این مرحله فرد هویت‌ها و ارزش‌های مدرن را کاملاً می‌پذیرد و در عین حال در تعریف هویت خود از توانایی‌ها و ویژگی‌های فردی خود نیز استفاده می‌کند. در این مرحله که نوعی باز تعریف آگاهانه از هویت‌های سنتی و مدرن صورت می‌گیرد فرد بر چالش‌های هویتی خود فایق می‌آید و از خود بیگانگی او به کمترین حد خود می‌رسد (برگر و دیگران، ۱۳۹۴، ۸۶).

با توجه به آن که فرهنگ به مجموعه الگوهای فکری و رفتاری یک فرد، گروه یا جامعه اطلاق شده، هویت فرهنگی را می‌توان به معنای آگاهی فرد یا گروه به این الگوهای فکری و رفتاری و تعلق به آن در نظر گرفت (کوش، ۱۳۸۹: ۱۴). هویت فرهنگی، نیز به ابعاد و مؤلفه‌هایی چون هویت خانوادگی، قومی، ملی و دینی قابل تقسیم است. در این پژوهش هویت فرهنگی را در ابعاد هویت خانوادگی، هویت مذهبی، میزان تعلق به معاشران خوابگاهی و هویت جنسیتی مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

روش پژوهش

هویت موضوعی شامل معنا، تعریف و بازتعریف است. در نتیجه برای شناخت ابعاد مختلف آن روش‌های کیفی کارایی بیشتری دارد. از این رو برای مطالعه هویت فرهنگی دختران خوابگاهی از روش کیفی پدیدارشناختی استفاده کرده‌ایم تا ضمن شناسایی الگوهای فرهنگی، قالب‌های تفسیری و ساختارهای پنهان معنایی بتوانیم به ذهنیت‌ها و برداشت‌های افراد پی برده و الگوهای ذهنی مشترک آنها را درک کنیم (فلیک، ۱۳۸۸: ۷۹). میدان مطالعه خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران بوده و دختران مورد مطالعه حداقل دو سال قبل از زمان پژوهش ساکن خوابگاه بوده‌اند. از آن جا که در مرور منابع نظری و تجربی دریافتیم که مذهبی بودن و نوع خوابگاه (به علت شرایط و ضوابط متفاوتشان) در موضوع پژوهش تفاوت ایجاد می‌کنند با لحاظ کردن این دو معیار و با توجه به شیوه تعیین پیشینی ساختار نمونه (فیلیک، ۱۳۹۲) افراد نمونه را برگزینیم تا امکان مقایسه چند

و چون هویت در چهار تیپ حاصله وجود داشته باشد. در نهایت ۱۵ نفر از ساکنان خوابگاه دولتی (۹ نفر مذهبی و ۶ نفر غیر مذهبی) و ۱۸ نفر از ساکنان خوابگاه خصوصی (۵ نفر مذهبی و ۱۳ نفر غیر مذهبی) مورد مطالعه قرار گرفتند.

در تحقیق حاضر تکنیک اصلی گردآوری داده مصاحبه نیمه ساخت یافته بوده و در تحلیل اطلاعات هر تیپ سعی شده که موارد مشترک و بین الاذهانی شناخته و برجسته شود تا چگونگی هویت فرهنگی (در ابعاد گوناگون خانوادگی، دینی، معاشران و جنسیتی) در افراد هر تیپ مشخص و با تیپ‌های دیگر قابل مقایسه باشد.

یافته‌های پژوهش

جدول ویژگی‌های افراد مورد مطالعه

ردیف	نام	میزان تحصیلات	مدت سکونت در خوابگاه	نوع خوابگاه / گرایش مذهبی
۱	مهناز	کارشناسی ارشد	۶ سال	دولتی / مذهبی
۲	ساناز	کارشناسی ارشد	۵ سال	دولتی / مذهبی
۳	مریم	کارشناسی	۳ سال	دولتی / مذهبی
۴	شکوفه	کارشناسی ارشد	۶ سال	دولتی / مذهبی
۵	سمیه	کارشناسی ارشد	۶ سال	دولتی / مذهبی
۶	شبنم	کارشناسی	۵ سال	دولتی / مذهبی
۷	ستاره	کارشناسی ارشد	۶ سال	دولتی / مذهبی
۸	سپیده	کارشناسی ارشد	۷ سال	دولتی / مذهبی
۹	فرشته	کارشناسی	۴ سال	دولتی / مذهبی
۱	الهام	دکتری	۶ سال	دولتی / غیر مذهبی
۲	شهرزاد	کارشناسی ارشد	۴ سال	دولتی / غیر مذهبی



دولتی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی ارشد	زهرا	۳
دولتی / غیر مذهبی	۴ سال	کارشناسی	فرشته	۴
دولتی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی ارشد	سمانه	۵
دولتی / غیر مذهبی	۴ سال	کارشناسی	فاطمه	۶
خصوصی / غیر مذهبی	۴ سال	کارشناسی	سمیرا	۱
خصوصی / غیر مذهبی	۵ سال	کارشناسی	نازنین	۲
خصوصی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی ارشد	پرستو	۳
خصوصی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی	رؤیا	۴
خصوصی / غیر مذهبی	۴ سال	کارشناسی	الهام	۵
خصوصی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی	سمیرا	۶
خصوصی / غیر مذهبی	۵ سال	کارشناسی ارشد	راحله	۷
خصوصی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی	سارا	۸
خصوصی / غیر مذهبی	۵ سال	کارشناسی ارشد	لیلا	۹
خصوصی / غیر مذهبی	۶ سال	کارشناسی ارشد	زهره	۱۰
خصوصی / غیر مذهبی	۵ سال	کارشناسی	رؤیا	۱۱
خصوصی / غیر مذهبی	۶ سال	کارشناسی ارشد	فهیمه	۱۲
خصوصی / غیر مذهبی	۳ سال	کارشناسی	پریسا	۱۳
خصوصی / مذهبی	۳ سال	کارشناسی ارشد	طیبه	۱
خصوصی / مذهبی	۵ سال	کارشناسی	فاطمه	۲
خصوصی / مذهبی	۳ سال	کارشناسی ارشد	فاطمه	۳
خصوصی / مذهبی	۵ سال	کارشناسی ارشد	بهنوش	۴
خصوصی / مذهبی	۴ سال	کارشناسی	مریم	۵

۱) دختران ساکن خوابگاه دولتی

پانزده نفر از افراد مورد مطالعه در خوابگاه دولتی ساکن بودند که از میان آنها نه نفر مذهبی و شش نفر غیرمذهبی بوده‌اند. هیچکدام از مصاحبه‌شوندگان غیرمذهبی محیط خوابگاه را دوست نداشته و به آن ابراز تعلق نکردند، اما اکثریت قریب به اتفاق افراد مذهبی، احساس تعلق زیادی به خوابگاه داشته و خوابگاه را فرصتی برای کسب تجربه‌های جدید و مفید دانستند. همچنین همه ساکنان خوابگاه دولتی اعم از مذهبی و غیرمذهبی مزایای زیادی را برای خوابگاه برشمرده‌اند که به طور خلاصه و کلی می‌توان خودساخته شدن، کسب اطلاعات و آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها، استقلال، بالا رفتن آستانه تحمل و زندگی با افراد همفکر را نام برد. از طرف دیگر نداشتن حریم شخصی، کمبود امکانات و نبود فضای مناسب برای درس و خواب، از معایب خوابگاه محسوب شده‌است.

۱- تیپ اول: دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

تیپ اول دانشجویان تحقیق حاضر را دانشجویان مذهبی ساکن خوابگاه‌های دولتی (۹ دانشجوی) تشکیل می‌دادند که میانگین سنی آنها ۲۶٫۵ سال بوده است. از نظر تحصیلات اکثر آنها در مقطع کارشناسی ارشد بودند و به لحاظ مؤلفه‌های هویت فرهنگی (هویت خانوادگی، هویت دینی، هویت معاشران و هویت جنسیتی) بارزترین مشخصه‌های آنها در هر یک از ابعاد به شرح زیر است:

۲- تیپ اول: دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

تیپ اول دانشجویان تحقیق حاضر را دانشجویان مذهبی ساکن خوابگاه‌های دولتی (۹ دانشجوی) تشکیل می‌دادند که میانگین سنی آنها ۲۶٫۵ سال بوده است. از نظر تحصیلات اکثر آنها در مقطع کارشناسی ارشد بودند و به لحاظ مؤلفه‌های هویت فرهنگی (هویت خانوادگی، هویت دینی، هویت معاشران و هویت جنسیتی) بارزترین مشخصه‌های آنها در هر یک از ابعاد به شرح زیر است:



۱-۱ هویت خانوادگی:

این مفهوم را از طریق میزان تعلق به خانواده و والدین و مرجعیت آنها در زندگی مورد مطالعه قرار دادیم. افراد این تیپ عموماً رابطه خود را با والدینشان صمیمی بیان کردند و احساس تعلق قوی به خانواده داشتند و خانواده را نسبت به دوستان خود ارجح دانسته و رعایت ارزش‌ها و سنت‌های خانوادگی برای آنها دارای اهمیت بالایی بود. برای مثال مصاحبه شونده شماره چهار این تیپ در این زمینه اظهار کرد:

من خانواده‌ام رو از هر کس دیگه ای بیشتر دوست دارم و بیشترین تعاملاتم با آنهاست و آنها را مهم‌ترین عامل در خوشبختی خودم می‌دانم.

۲-۱ هویت دینی:

یافته‌های مربوط به هویت دینی تیپ اول نشان می‌دهد میزان پایبندی آنها به واجبات دین مانند نماز و روزه زیاد است و اعتقاد به خدا و رعایت حجاب نقش مهمی در زندگی‌شان دارد. مصاحبه شونده شماره هفت این تیپ می‌گوید:

دین در زندگی من خیلی حضور دارد و من بسیار به آن پایبندم. من ارتباط با خدا را در نماز و روزه می‌بینم و با لذت این کار را انجام می‌دهم. خانواده من خانواده‌ای مذهبی هستند، اما اعتقادات من قلبی است و برگرفته از آنها نیست و حتی اگر آنها بخواهند این اعمال را انجام ندهند پایبندی دینی من تغییر نمی‌کند.

۳-۱ هویت معاشران:

هویت معاشران در سه بعد میزان بروز در هویت اجتماعی، احساس صمیمیت با معاشران خوابگاهی و میزان تعلق به خوابگاه مورد ارزیابی قرار گرفته است. ابراز هویت خوابگاهی در معرفی خود به دیگران وجه مشترک افراد این گروه بوده و اکثریت این افراد رابطه صمیمی با هم‌اتاقی‌های خود داشتند. مصاحبه شونده شماره سه که سه سال در خوابگاه سکونت داشت درباره

احساس خود به هویت خوابگاهی‌اش و در پاسخ به این سوال که خود را به یک جمع ناآشنا چگونه معرفی می‌کنید اظهار داشت:

من اصولاً راحت زندگی می‌کنم و اول از همه خودم را با گفتن اسم و اینکه در چه رشته‌ای و کجا درس می‌خونم معرفی می‌کنم و مشکلی با بیان اینکه در خوابگاه زندگی می‌کنم ندارم چون معتقدم وقتی من نوعی خوابگاه را قبول می‌کنم و می‌پذیرم که در آن زندگی کنم دلیلی نمی‌بینم که آن را کتمان کنم و این یک مکان زندگی موقت است. غالب افراد این گروه با هم خوابگاهی‌های خود روابط خوب و صمیمانه‌ای داشتند و بیان کرده‌اند که زندگی در خوابگاه را با وجود معایبی چون قوانین سخت و نداشتن حریم خصوصی و جمعیت زیاد دوست دارند. مصاحبه شونده شماره دو این تیپ، به سوال «در زندگی روزمره خود بیشتر با چه کسانی تعامل و ارتباط دارید؟» چنین پاسخ می‌دهد:

طبیعتاً ما با هم سن و سال‌های خود بهتر می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم و دوستان و هم‌اتاقی‌ها ما را بهتر از خانواده درک می‌کنند زیرا شرایط یکسانی داریم، اما به این معنا نیست که ما آنها را بر خانواده خود ترجیح دهیم بلکه با بالاتر رفتن سن، ارتباط با خانواده کاهش می‌یابد و صمیمیت با دوستان بیشتر می‌شود.

۱-۴ هویت جنسیتی:

هویت جنسیتی از طریق ویژگی‌های زن ایده آل و عوامل برانندگی زن در منظر عام مورد مطالعه قرار گرفته است. رسیدن به درجات علمی بالا، داشتن مدارک عالی تحصیلی، مطالعه زیاد و به لحاظ علمی در یک موقعیت بالا قرار گرفتن مشخصه مشترک افراد این تیپ در بیان ویژگی‌های زن ایده آل است. علاوه بر این برخی نیز به استقلال مالی، اخلاق پسندیده و برخورداری از آرامش روحی و روانی اشاره کرده‌اند. برای مثال مصاحبه شونده شماره چهار این تیپ معتقد است که افراد تحصیل کرده در زندگی موفق‌تر و هنگام مقابله با مشکلات مقاوم‌تر هستند و می‌گویند:



من همیشه حسرت آدم هایی رو میخورم که از لحاظ علمی و آکادمیک آدمهای موفق هستند. برای همین تمام تلاشم را به کار می گیرم که از لحاظ علمی به درجه بالایی برسم و در رشته تحصیلم حرف اول را بزنم.

مصاحبه شونده شماره پنج تحصیلات را عامل برانندگی و کلید رسیدن به عوامل دیگر از جمله استقلال مالی و فکری می داند. از نگاه او تحصیلات عاملی است که باعث می شود نگاه افراد جامعه به او در جایگاه یک زن تحصیل کرده متفاوت شود و این عامل در افزایش اعتماد به نفس او مهم است. او اظهار داشت:

آدم تحصیل کرده، تعاملات و ارتباطات موثرتری داره و تو جامعه بهای بیشتر بهش داده میشه و احترام بیشتر بهش گذاشته می شه.

نیمی از افراد این تیپ، استقلال مالی و فکری را از دیگر ویژگی های یک زن ایده آل دانسته اند. مصاحبه شونده شماره نه در این زمینه می گوید:

زمانی خودم را ایده آل می دانم که از لحاظ مالی مستقل باشم و بتوانم به دیگران کمک کنم. همچنین از لحاظ علمی جایگاه بالایی را کسب کنم و انسان مفیدی باشم و با این علمی که دارم به دیگران کمک کنم.

۳- تیپ دوم: دختران غیر مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

دانشجویان غیر مذهبی ساکن خوابگاه های دولتی تیپ دوم پژوهش حاضر را تشکیل می دهند که تعدادشان ۶ نفر است. میانگین سنی افراد این گروه ۲۸,۷ سال بوده است و غالب این افراد در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می کردند. این تیپ به لحاظ ویژگی های فرهنگی (هویت خانوادگی، هویت دینی، هویت معاشران و هویت جنسیتی) دارای مشترکات زیر بودند:

۱-۲ هویت خانوادگی:

ساکنان غیر مذهبی خوابگاه های دولتی غالباً رابطه صمیمی با والدین خود داشتند و از نظرشان این صمیمیت باعث شده که مسائل زندگی خود را بیشتر با خانواده مطرح کنند. دو مؤلفه دیگر هویت

خانوادگی، الگوی مرجع و میزان تعلق به خانواده بوده است. سه مصاحبه شونده شماره یک، سه و شش دارای هویت خانوادگی قوی بوده و با وجود داشتن دوستان زیاد و رابطه خوب با هم‌اتاقی‌های خود، خانواده را به آنها ترجیح می‌دهند و دوست دارند بیشتر وقت خود را در محیط خانواده باشند. برای مثال مصاحبه شونده شماره سه، اظهار داشت:

من عاشق خانواده‌ام هستم و بدون آنها زندگی برایم اهمیت ندارد چون باهاشون بهم خوش می‌گذره و احساس آرامش می‌کنم.

مصاحبه شونده شماره دو، بیان داشت:

من در حالی که خانواده برام جایگاه ارجحی داره و وابستگی زیادی به مادر و خواهرم دارم، اما دوستام برام مهم هستند...حضور من در خوابگاه و دوری از خانواده باعث شده که حس استقلال در من ایجاد شود و به تنها بودن عادت کنم.

از مجموع صحبت های افراد این تیپ می توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به این که نیمی از افراد این تیپ دارای تعلق خانوادگی نسبتاً زیادی هستند و نیم دیگر اظهار کرده‌اند که به استقلال از خانواده و معاشرت با دوستان خود نیز اهمیت می‌دهند، در مقایسه با افراد تیپ اول (یعنی افراد مذهبی ساکن خوابگاه دولتی) دارای تعلق خانوادگی کمتری هستند.

۲-۲ هویت دینی:

اغلب افراد این تیپ با توجه به ابعاد (مناسکی و پیامدی) دینداری، دارای پایبندی دینی کمتری بوده و در زمینه هویت مذهبی تنها به وحدانیت خداوند اعتقاد داشته و به سایر مسائل دینی اعتقادی نداشتند. افراد این گروه با گریز از دین به خصوص در بعد مناسکی سعی داشتند که هویت دینی را به نحو مطلوب خودشان بازتعریف کنند. مصاحبه شونده شماره چهار این تیپ در این باره می‌گوید:



با تمام احترامی که برای افراد دین دار قائل هستم، اما من به دین با توجه به تعریفی که عرف جامعه است اعتقادی ندارم. من معتقدم جهان آفریده خداوند است و تنها خداست که وجود دارد و بقیه همگی ساختگی هستند و ساخته ذهن ما انسانها...

۲-۳ هویت معاشران:

افراد این تیپ خود را ساکن خوابگاه معرفی کرده‌اند در حالی که نسبت به خوابگاه تعلق احساس نمی‌کنند. این افراد علت تعلق نداشتن به خوابگاه را مشکلاتی همچون قوانین سخت خوابگاهی، جمعیت زیاد و شلوغ بودن اتاق‌ها، نبودن فضای مناسب برای درس خواندن کثیف و نامرتب بودن محیط خوابگاه و اتاق‌ها دانسته‌اند.

از پاسخ‌های این افراد به این سوال که دوست دارید بیشتر وقت خود را در چه محیط‌ها و با چه کسانی بگذرانید می‌توان فهمید که زندگی در خوابگاه را از روی اجبار پذیرفته‌اند و حضور در خوابگاه را به واسطه حضور دوستان تحمل می‌کنند زیرا رابطه خود را با دوستان خوابگاهی صمیمی توصیف کرده‌اند. مصاحبه شونده شماره دو این تیپ درباره میزان تعلق خاطر خود به خوابگاه چنین می‌گوید:

خوابگاه فضایی تخریب کننده است که مانع رشد شخصیتی می‌شود. برخورد نامناسب مسئولین خوابگاه، سخت‌گیری در مورد حجاب و رعایت اجباری قوانین خوابگاهی از جمله عواملی است که حس تعلق به خوابگاه را در ما پایین آورده است؛ بنابراین من هیچ تعلق خاطری به خوابگاه ندارم و دوست دارم هر چه سریع‌تر از این محیط بیرون بیایم چون حس می‌کنم با زندگی در خوابگاه سطح توقعات و توانایی‌هایم پایین می‌آید. اما احساس تعلق به دوستان خوابگاهی و زندگی با گروه همسالان و امکان انتخاب دوست از میان همفکران ساکن خوابگاه از مزایای زندگی خوابگاهی ذکر شده است. مصاحبه‌شونده قبلی درباره ارتباط خود با هم‌خوابگاهی‌هایش می‌گوید:

ارتباطم با بچه‌های خوابگاه و هم‌اتاقی‌هایم خیلی قوی است و سعی می‌کنم با همه دوست باشم و متقابلاً آنها هم مرا دوست داشته باشند.

۲-۴ هویت جنسیتی:

تحصیلات و ثروت دو ویژگی بارزی است که افراد این تیپ در پاسخ به این سوال که به نظر شما یک زن ایده‌آل باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد بیان کرده‌اند. همچنین تحصیلات عالی را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها برای زن ایده‌آل برشمرده‌اند و از این رو خودشان برای دستیابی به این ایده‌آل‌ها، راه دانشگاه را در پیش گرفته‌اند تا از هویت زن سنتی که در اجتماع خودشان غالب است فاصله گرفته و به جایگاه جدیدی در جامعه دست یابند. از طرف دیگر مکنت و ثروت ویژگی دیگر زن ایده‌آل از نظر آنها بوده است. مصاحبه شونده شماره دو این تیپ می‌گوید:

از مهم‌ترین ویژگی‌های یک زن ایده‌آل تحصیلات بالا و در مرتبه بعد وضعیت مالی خوب است. این دو عامل باعث می‌شود فرد از جایگاه بالایی برخوردار شود و شأن بالایی بدست آورد.

مصاحبه شونده شماره شش این تیپ اظهار می‌کند:

یک زن ایده‌آل تک بعدی نیست، فقط به فکر تحصیل و کار بیرون یا زیبایی نیست من شخصا رفتار و اخلاق را به زیبایی ترجیح می‌دهم.

شاغل بودن، استقلال و خودکفایی، برخورداری از فضیلت‌های اخلاقی، آراستگی و زیبایی ظاهری از ویژگی‌های بایسته یک زن ایده‌آل در نظر افراد این تیپ است. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در نزد افراد این تیپ زنانگی دیگر صرفاً بر اساس ویژگی‌های انتسابی و بیولوژیکی و نقش‌های سنتی زنان تعریف نمی‌شود بلکه در آن ویژگی‌های اکتسابی و نقش‌های اجتماعی زنان نیز لحاظ می‌شود.



ب) دختران ساکن خوابگاه‌های خصوصی

به طور کلی هجده نفر از مصاحبه شونده‌گان در خوابگاه خصوصی ساکن بوده‌اند که از این میان پنج نفرشان مذهبی و سیزده نفر غیرمذهبی بوده‌اند. تقریباً نیمی از افراد این گروه از زندگی در خوابگاه ناراضی بودند. این افراد هر یک مزایا و معایبی را برای خوابگاه برشمردند که می‌توان از میان تمامی پاسخ‌ها به اشتراکاتی دست یافت. استقلال از خانواده، یادگیری زندگی جمعی، تقویت صبر و تحمل، بهره‌مندی از کمک‌های درسی، پیدا کردن دوستان خوب، داشتن امنیت، زندگی با افراد دارای فرهنگ‌های گوناگون و بیشتر شدن اطلاعات در مورد آنها، استفاده از تجربه‌های مختلف هم‌اتاقی‌ها و رفع تنهایی از جمله مزایایی است که اکثر پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند و در مقابل معایبی را برای زندگی خوابگاهی برشمردند که مهم‌ترین و ملموس‌ترین آنها کمبود امکانات، شلوغی و نداشتن حریم خصوصی است.

۴- تیپ سوم: دختران مذهبی ساکن خوابگاه‌های خصوصی

در این تیپ با پنج نفر مصاحبه شده است. میانگین سنی افراد این گروه ۳۰ سال بود و اکثر آنها در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند. افراد این تیپ به لحاظ هر یک از ابعاد هویت فرهنگی (هویت خانوادگی، هویت دینی، هویت معاشران و هویت جنسیتی) دارای ویژگی‌های مشترک زیر بوده‌اند:

۳-۱ هویت خانوادگی:

صمیمیت خانوادگی افراد این تیپ به ارتباط صمیمی با یکی از والدین محدود می‌شد و غالب آنها مادرشان را صمیمی‌ترین عضو خانواده ذکر کردند. فرد شماره یک این تیپ در این رابطه چنین می‌گوید:

وابستگی زیادی به مادر و پدرم دارم، اما به دلیل گذراندن بیشتر وقتم با مادرم و حضور نداشتن مداوم پدر در خانه حس نزدیکی بیشتر با مادرم دارم و به همین دلیل ارتباط

صمیمانه‌تری با مادرم دارم، اما در کل دوست دارم بیشتر وقتم را با خانوادم بگذروم و همیشه کنار آنها باشم.

خاطرات مهم زندگی افراد این تیپ اعم از خوشایند و ناخوشایند نیز به خانواده مربوط می‌شد، اما غالب آنها به خاطرات ناخوشایند زندگی خود اشاره کردند مانند فوت پدر و یا خواهر، ناکامی‌های تحصیلی و فشارهای خانوادگی. افراد این تیپ الگوی رفتاری و گروه مرجع خود را اعضای خانواده و بیشتر والدین خود ذکر کردند. تعلق خانوادگی آنها نیز به تبع الگوپذیری از خانواده زیاد است. به طور کلی خانواده، روابط خانوادگی و زندگی خانوادگی در افراد این گروه بخش مهمی از هویت فرهنگی‌شان را تشکیل می‌داد.

فرد شماره چهار این تیپ چنین می‌گوید:

افراد خانواده بیشترین نقش را در زندگی ما دارند و شناخت بیشتری از ما دارند من سعی می‌کنم در تصمیم‌گیری‌ها به خانواده‌ام رجوع کنم و نظر آنها بسیار برایم اهمیت دارد چون بیشتر زندگی‌م را با آنها گذروندم... هم از نظر فرهنگی به آنها احساس نزدیکی دارم و هم اینکه جهان بینی‌های مشترکی داریم.

۲-۳- هویت دینی:

مصاحبه‌ها نشان می‌دهد تمام افراد این تیپ هم به لحاظ بعد اعتقادی و هم به لحاظ بعد مناسکی سطح بالایی از پایبندی دینی داشته و از هویت مذهبی قوی برخوردارند. انجام مناسک مذهبی بدون هیچ کنترل و اجباری نشان می‌دهد که افراد این گروه گذشته از تربیت مذهبی با تامل و بازنگری در امور دینی این هویت را برای خود برگزیده‌اند و با توجه به این که در حال حاضر تنها و دور از خانواده زندگی می‌کنند و از سوی خانواده نظارت و کنترلی بر آنها اعمال نمی‌شود اجباری در پایبندی به دین ندارند و طبق انتخاب خودشان این هویت را برگزیده و آن را سرمنشأ و راهنمای زندگی قرار داده‌اند. افراد این تیپ، دین را در زندگی دارای نقش تعیین‌کننده دانسته و دلایل متعددی را برای اهمیت آن مطرح کرده‌اند:



- زندگی انسان بدون دین معنا ندارد و پوچ است.
 - دین سبب آرامش روانی و روحی می‌شود.
 - خدا همیشه و همه جا با ماست و در شرایط سخت یاری رسان است.
 - دینداری موجب وصل بودن به نیرویی خارق العاده می‌شود.
- مصاحبه شونده شماره دو در این باره می‌گوید:

من در خانواده ای مذهبی به دنیا آمده ام و از اول با چنین اعتقادات و قواعدی بزرگ شدم . من خیلی به نماز و روزه پایبند هستم. حضور دین در زندگی انسان ضروریست من همیشه به وجود خدا نیاز داشته‌ام و رسیدن من به این نقطه چیزی است که خودم به آن رسیده‌ام و صرفاً از سوی خانواده به من نرسیده است.

سازگاری اخلاقی، آراستگی، صبوری و منظم بودن از ویژگی هایی است که غالب افراد این تیپ آن را عامل برانندگی زن در جامعه دانسته‌اند. در عین حال افراد این تیپ برای آراستن ظاهر بدن (مثل آرایش مو، صورت و استفاده از بوی خوش) هنگام بیرون رفتن از خانه اهمیت کمی قایل بوده و معتقدند این ویژگی‌ها تحت تاثیر مدرنیته در جامعه رایج شده در حالی که بر اساس آموزه‌های دینی اسلام حضور زن در بیرون از خانه ضمن رعایت پاکیزگی و سادگی باید عاری از جلوه نمایی و آرایش‌های نمایان و افراطی باشد .

۳-۳ هویت معاشران:

نحوه معرفی خود و در صورت لزوم اشاره به خوابگاهی بودن همان هویت اجتماعی غالب است که افراد در پاسخ به این سوال که خود را چگونه به یک جمع ناآشنا معرفی می‌کنید مطرح کرده‌اند. هویت اجتماعی افراد معمولاً از تعامل با معاشران تاثیر می‌گیرد و هویت فرهنگی آنها بر اساس ارزش ها و اولویت بندی جدیدشان بازسازی و سپس ابراز می‌شود. به نظر می‌رسد افراد این تیپ با ورود به خوابگاه و آشنایی با محیط و معاشران خوابگاهی این مرحله را طی کرده‌اند، اما اشاره

آنها به خوابگاهی بودن یا ابراز هویت خوابگاهی در آنها با توجه به نامطلوب بودن زندگی در خوابگاه خصوصی برای یک دختر جوان از نظر اجتماع، با نوعی شرمساری همراه بوده است. اغلب مصاحبه شونده‌گان این تیپ اظهار داشته‌اند که علت ابراز نکردن هویت خوابگاهی خود را افکار جامعه می‌دانند و اینکه دیگران در مورد خوابگاه خصوصی خوب فکر نمی‌کنند و آن را محیطی می‌دانند که افراد به دلیل مشکل داشتن با خانواده در چنین مکانی زندگی می‌کنند. برای مثال مصاحبه شونده شماره دو اظهار کرده است:

اوائل حساسیتم بیشتر بود و هیچ وقت نمی‌گفتم، اما الان سعی می‌کنم جمع را بسنجم و بعد مکان زندگی را بگویم. چون دیگران فکر می‌کنند دخترای خوبی توی خوابگاه خصوصی نیستند و از لحاظ خانوادگی مشکل دارند.

هرچند میزان تعلق به محل سکونت (خوابگاه) در این افراد بسیار کم است، اما زندگی در خوابگاه را علی‌رغم وجود مشکلاتی چون امکانات نامناسب و محدود، تعدد هم‌اتاقی و بی‌نظمی پذیرفته‌اند. همچنین این افراد تعلق به معاشران خوابگاهی ندارند، اما با وجودی که با افراد ساکن خوابگاه چندان صمیمی نیستند سعی می‌کنند رابطه خوبی با آنها داشته باشند. یکی از عواملی که اغلب افراد این تیپ برای عدم تعلق به خوابگاه ذکر کرده‌اند فاصله سنی و هم‌اتاق شدن با افرادی نامتجانس است. مصاحبه شونده شماره چهار این تیپ می‌گوید:

محیط [نامتجانس] خوابگاه تا به سنی قابل تحمل است و الان که من ۳۰ سال سن دارم تحمل کردن خوابگاه خیلی سخت شده است. در اولین فرصت که امکان رفتن از خوابگاه برایم فراهم بشود اینجا را ترک می‌کنم.

۳-۴. هویت جنسیتی:

ویژگی‌های زن ایده آل از نظر این گروه به دلیل عاملیت مهم دین در زندگی آنها بیشتر برگرفته از سنت‌ها و آموزه‌های دینی است. یک زن خوب و ایده آل از نظر افراد این تیپ دارای ویژگی‌های زیر است:



آرامش و ایمان، داشتن رابطه خانوادگی خوب، شاغل بودن و مهربان بودن با همسر. مصاحبه شونده شماره دو در پاسخ به این سوال « به نظر شما یک زن ایده‌آل بایستی چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ » چنین پاسخ داده است:

از نظر من یک زن ایده‌آل باید ایمان قوی به خدا داشته باشد و خدا در تمام لحظات زندگی حضور داشته باشد. این مهم‌ترین ویژگی برای یک زن محسوب می‌شود. همین فرد در مورد عوامل برزندگی یک زن از منظر عام چنین می‌گوید:

زیبایی و آراسته بودن در جامعه از نکات مهمی است که یک زن در جامعه باید رعایت کند. من زیبایی را برای زن خیلی مهم می‌دانم. یک زن با آراستن خود و مرتب بودن در واقع به خود احترام گذاشته است، اما نباید در این کار افراط کند. سازگاری اخلاقی، آراستگی، صبوری و منظم بودن از ویژگی‌هایی است که غالب افراد این تیپ آن را عامل برزندگی زن در جامعه دانسته‌اند، اما افراد این تیپ که غالباً دارای گرایش دینی بالایی هستند برای آراستن ظاهر بدن (مثل آرایش مو و صورت و استفاده از بوی خوش) هنگام بیرون رفتن از خانه اهمیت کمی قائلند.

۵- تیپ چهارم: دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه‌های خصوصی

تعداد افرادی که در این تیپ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند ۱۳ نفر و میانگین سنی آنها ۲۹ سال بوده و از نظر تحصیلات، غالب آنها در مقطع تحصیلی کارشناسی بودند. این گروه به لحاظ ابعاد هویت فرهنگی دارای مشخصه‌های زیر هستند:

۴-۱ هویت خانوادگی :

اغلب مصاحبه‌شوندگان این تیپ با خانواده خود رابطه صمیمی داشتند. خاطرات مهم زندگی افراد این گروه نیز اغلب به خاطرات ناخوشایند و اتفاقات ناگواری که برای اعضای خانواده‌شان رخ داده بود مربوط می‌شد. الگوی مرجع تمام دانشجویان این گروه خانواده آنها بوده است و علی‌رغم

غیرمذهبی بودن و زندگی جدا از خانواده در شهر نسبتاً مدرن تهران هنوز از خانواده به عنوان الگوی رفتاری و اجتماعی خود نام می‌بردند. در بعد تعلق خانوادگی آخرین مؤلفه هویت خانوادگی، اکثر آنها دارای تعلق خانوادگی زیادی بودند. مصاحبه شونده شماره یک این تیپ می‌گوید:

ترجیح می‌دهم که بهترین دوستانم خانواده‌ام باشند چون همیشه آنها خیر و صلاح من را خواسته‌اند و برای هیچ کاری من را مجبور نکرده‌اند و همیشه بهترین راه کارها را در اختیار من گذاشته‌اند.

۲-۴ هویت دینی:

از آن جا که مذهب در هویت فرهنگی افراد نقش مهمی دارد، این عامل را در تیپولوژی افراد نمونه مدنظر قرار دادیم. در خصوص یکی از ابعاد مهم پایبندی دینی یعنی بعد مناسکی یا رفتاری (عمل به واجبات دین مثل نماز، روزه و پوشش اسلامی)، اغلب افراد این تیپ به نماز و روزه و حجاب اسلامی پایبندی کمی داشتند و تنها به وجود و وحدانیت خدا معتقد بودند. مصاحبه شونده شماره هشتم این تیپ در این زمینه می‌گوید:

من نه به نماز پایبند هستم و نه به روزه. به نظر من دین کارکرد خودش رو از دست داده است و توی جامعه فعلی پاسخ‌گوی خیلی از نیازهای افراد نیست.

فرد شماره ششم این تیپ چنین پاسخی می‌دهد:

من دین را با ذهن خودم تفسیر می‌کنم و به نظر من آن چیزی نیست که یک سری افراد توصیف کردند.

۳-۴ هویت معاشران:

یکی از ابعادی که هویت فرهنگی توسط آن سنجیده شده است، هویت اجتماعی مسلط یا به عبارت دیگر هویتی است که فرد توسط آن خود را به دیگران معرفی می‌کند. تمامی افراد این گروه



هنگام ارائه و بازنمایی هویت خود به توانایی‌ها و استعدادها و هر آنچه در وجود خودشان دارند اشاره می‌کنند. غالب افراد این گروه در زمینه ابراز هویت و احساس تعلق به خوابگاه و معاشران خوابگاهی و معرفی خود به عنوان یکی از ساکنان خوابگاه خصوصی مانعی نمی‌دیدند. در زمینه زندگی در خوابگاه و معاشران خوابگاهی نیز مزیت‌هایی همچون امکان انتخاب دوست از میان افراد هم‌فکر و هم‌مسلك، ایجاد رابطه در حد عرف اجتماعی را ذکر کردند، اما تعلق چندانی به این مکان نداشتند. بیش از ۶۰ درصد آنها با دوستان و هم‌خوابگاهی‌های خود رابطه صمیمی نداشتند. تمایل به حفظ حریم خصوصی سبب دوری آنها از معاشران خوابگاهی شده بود. در افراد تیپ چهارم، خانواده، دوستان و معاشران خوابگاهی تا جایی پذیرفته می‌شوند که وارد حریم خصوصی آنها نشوند؛ زیرا بر این باور هستند که افراد خوابگاه معمولاً آدم‌های قابل‌اعتمادی نیستند و صمیمیت زیاد با هم‌خوابگاهی‌ها سبب از بین رفتن حریم خصوصی انسان می‌شود. مصاحبه شونده هشتم این تیپ می‌گوید:

سوءاستفاده در خوابگاه خیلی زیاده و این باعث شده که من نتونم به کسی اعتماد داشته باشم و رابطه صمیمی برقرار کنم و از سوی دیگر بهتر است توی خوابگاه زیاد صمیمی نشویم چون اکثر بچه‌های خوابگاه در کار دیگران دخالت می‌کنند.

۴-۴ هویت جنسیتی:

این گروه از دانشجویان ویژگی‌های زن ایده آل را چنین بیان کرده‌اند: زیبایی و آراستگی، استقلال مالی، امنیت شغلی، رفاه مالی و اقتصادی، اعتماد به نفس بالا، رضایت از خود.

از میان این ویژگی‌ها مهم‌ترین ویژگی که یک زن ایده آل دارد این است که به لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی داشته باشد تا بتواند به لحاظ جایگاه خود را به عنوان یک انسان و نه یک زن به دیگران معرفی کند.

مصاحبه شونده شماره چهار، پنج، نه و ده متفقا بر این باورند که عامل برزندگی یک زن زیبایی و آراستگی او است و مصاحبه شونده شماره هفت علاوه بر زیبایی از ویژگی‌هایی مانند قوی بودن و استقلال نام برده و می‌گوید:

از عوامل برزندگی برای زن اینه که قوی باشه، به عنوان یک انسان نه به عنوان یک زن، و مستقل باشه و سعی کنه یه رفاه مادی برای خودش فراهم کنه و از همه مهم‌تر اینکه آراسته باشه.

عوامل برزندگی زن در منظر عام که همچون ویژگی‌های زن ایده آل، هویت جنسیتی زنانه را از منظر فرد نمایان می‌سازد در افراد این تیپ صفاتی چون تعهد، مسئولیت‌پذیری، شجاعت، وفاداری، صبور بودن و زیبا بودن را در بر می‌گیرد که به هویت زنانه مدرن نزدیک‌تر است تا به هویت زن سنتی.

مقایسه افراد مذهبی و غیرمذهبی ساکن خوابگاه

دختران مذهبی

الف) دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

میانگین سنی افراد تیپ اول ۲۶،۵ سال بوده و به طور متوسط ۵ سال ساکن خوابگاه بوده‌اند. غالب افراد این تیپ دارای هویت خانوادگی مستحکم بوده و احساس تعلق بالایی به خانواده داشتند و تعامل با اعضای خانواده را نسبت به دوستان خود ارجح دانسته‌اند و بیش از نیمی از آنها یکی از افراد خانواده را الگو و گروه مرجع خود در زندگی ذکر کرده‌اند همچنین نتایج نشان می‌دهد که غالب افراد این تیپ ارتباطی صمیمی با خانواده خود دارند. به علاوه میزان پایبندی به دین در تمامی افراد این گروه، زیاد بوده و از هویت دینی قوی برخوردار بوده‌اند. اکثریت این افراد رابطه صمیمی با هم‌اتاقی‌های خود دارند و زندگی در خوابگاه را با وجود معایب پذیرفته‌اند. در مقوله هویت جنسیتی، بهره‌مندی از تحصیلات و مرتبه علمی بالا، استقلال مالی، اشتغال، خوداتکایی، برخوردار از آرامش روحی و روانی و اخلاق پسندیده مشخصه مشترک افراد این تیپ در بیان



ویژگی های زن ایده آل بوده است. به علاوه هرچند به لحاظ اهمیت خودآرایی و آراستگی های ظاهری برای زن ایده آل در بین افراد این تیپ اتفاق نظر وجود نداشت، اما هرچه پابندی دینی بیشتر بوده فرد اهمیت کمتری برای این ویژگی قائل بوده است.

ب) دختران مذهبی ساکن خوابگاه خصوصی

میانگین سنی افراد این گروه ۳۰ سال بوده و به طور متوسط ۳/۸ سال در خوابگاه خصوصی سکونت داشتند. صمیمیت خانوادگی افراد این تیپ به ارتباط صمیمی با یکی از والدین مربوط می شود و غالب آنها مادرشان را صمیمی ترین عضو خانواده ذکر کرده اند. افراد این تیپ الگوی رفتاری و گروه مرجع خود را اعضای خانواده و بیشتر والدین خود ذکر کرده و گفته اند که در تصمیم گیری هایشان نظرات آنها را لحاظ می کنند. تعلق خانوادگی این افراد زیاد بوده و به طور کلی خانواده، روابط خانوادگی و زندگی خانوادگی در افراد این گروه بخش مهمی از هویت فرهنگی شان را تشکیل می دهد. تمام افراد این تیپ از هویت مذهبی قوی برخوردارند و مناسک مذهبی (به ویژه واجبات دینی) را بدون هیچ کنترل و اجباری انجام می دهند. همچنین غالب افراد این تیپ اظهار کرده اند با توجه به نامطلوب بودن زندگی در خوابگاه خصوصی برای یک دختر جوان از نظر اجتماع به ابراز هویت خوابگاهی خود تمایلی ندارند و اگرچه میزان تعلق به خوابگاه در این افراد بسیار کم است، اما سعی می کنند که رابطه خوبی با آنها داشته باشند. این گروه زندگی در خوابگاه را علی رغم وجود مشکلاتش پذیرفته اند چون به نظر آنها فرصتی را برای یادگیری زندگی اجتماعی، استقلال و تعامل با فرهنگ های مختلف برایشان فراهم می کند. یک زن ایده آل از نظر افراد این تیپ دارای آرامش و ایمان به خدا، رابطه خانوادگی خوب به خصوص با همسر، تحصیلات عالی، استقلال مالی، اشتغال، خودتکایی، اخلاق پسندیده، آراستگی در محیط خانه و زیبایی است. همچنین این افراد برای آراستگی های بیرون از خانه اهمیت کمی قائلند و معتقدند حضور زن در بیرون از خانه باید عاری از جلوه نمایی و آرایش نمایان و افراطی باشد.

خلاصه آن که غالب ساکنان مذهبی خوابگاه‌ها دارای تعلق خانوادگی بالایی بوده و خانواده را راهنما و گروه مرجع خود ذکر کرده‌اند. افراد مذهبی در مقایسه با غیرمذهبی‌ها ارتباط بهتری با هم‌اتاقی‌های خود دارند و علی‌رغم تفاوت‌های اعتقادی و رفتاری، با مشکلات و اختلاف عقیده با ساکنان خوابگاه کنار می‌آیند. همچنین دختران مذهبی، آرامش و ایمان به خدا، رابطه خانوادگی خوب به‌خصوص با همسر، تحصیلات عالی، استقلال مالی، اشتغال، خوداتکایی، اخلاق پسندیده، آراستگی در محیط خانه و زیبایی را مهمترین ویژگی‌های یک زن ایده آل ذکر کرده‌اند.

دختران غیرمذهبی

الف) دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه دولتی

میانگین سنی افراد این گروه ۲۸٫۷ سال بوده و به طور متوسط ۴ سال سابقه سکونت در خوابگاه داشتند. غالب افراد این گروه خود را متعلق به خانواده‌ای صمیمی دانستند با این حال تنها نیمی از افراد این تیپ گفته‌اند که مسائل مهم زندگی خود را با خانواده در میان می‌گذارند و ترجیح می‌دهند بیشتر وقت خود را با خانواده بگذرانند. همچنین نیمی از افراد این تیپ بر این باور بودند که تعلقات خانوادگی آنها پس از زندگی در خوابگاه به دلیل تغییر عقایدشان کم‌رنگ و ضعیف شده‌است. نهایتاً از مجموع صحبت‌های افراد این تیپ می‌توان نتیجه گرفت که هر چند غالب افراد این تیپ دارای تعلق خانوادگی نسبتاً بالایی هستند، اما در مقایسه با افراد تیپ اول و سوم (یعنی افراد مذهبی) دارای تعلق خانوادگی کمتری هستند. از طرف دیگر اغلب افراد این تیپ پایبندی کمی به انجام مناسک دینی داشته و نسبت به خوابگاه و زندگی خوابگاهی تعلق احساس نمی‌کنند و دلیل آن را مشکلاتی همچون مقررات سخت خوابگاهی، جمعیت زیاد، کمبود امکانات و غیربهداشتی بودن محیط خوابگاه و اتاق‌ها دانستند، اما با وجود اجبار به زندگی خوابگاهی رابطه خود را با معاشران خوابگاهی صمیمی توصیف کردند. در ترسیم ویژگی‌های زن ایده‌آل افراد این تیپ تحصیلات عالی و ثروت، شاغل بودن، استقلال و خودکفایی، آراستگی و زیبایی را از ویژگی‌های بایسته یک زن ایده‌آل ذکر کردند. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در هویت جنسیتی



مورد نظر افراد این تیپ ویژگی‌های اکتسابی و نقش‌های اجتماعی اهمیت بیشتری نسبت به ویژگی‌های مادی و ظاهری دارد.

ب) دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه خصوصی

میانگین سنی افراد این تیپ ۲۹ سال بوده و میانگین مدت سکونت این افراد در خوابگاه حدود ۴ سال بوده است. در این تیپ اغلب مصاحبه شونده‌ها گفته‌اند که با خانواده خود رابطه صمیمی دارند. الگوی مرجع تمام دانشجویان این گروه خانواده آنها بوده است. همچنین میزان پایبندی دینی در اکثر افراد این گروه پایین بوده است. غالب افراد این گروه تعلق چندانی به خوابگاه نداشتند. فقدان حریم خصوصی عامل عمده انتقاد آنها از محیط خوابگاه بود. در زمینه زندگی در خوابگاه و معاشرت خوابگاهی نیز اگرچه برخی افراد این تیپ به مزیت‌هایی همچون امکان انتخاب دوست از میان افراد هم‌فکر را ذکر کردند، اما بیش از نیمی از آنها گفتند که با هم اتاقی‌ها و هم‌خوابگاهی‌های خود رابطه صمیمی ندارند و معتقد بودند که افراد خوابگاه معمولاً آدم‌های قابل اعتمادی نیستند و صمیمیت زیاد با آنها سبب از بین رفتن حریم خصوصی آنها می‌شود. این گروه از دانشجویان زنی را ایده‌آل می‌دانستند که دارای وضعیت اقتصادی خوب، استقلال و رفاه مالی، امنیت شغلی، اعتماد به نفس بالا و رضایت از خود باشد و مهم‌ترین ویژگی یک زن ایده‌آل را استقلال اقتصادی ذکر کردند به نحوی که بتواند خود را به عنوان یک انسان غیروابسته به دیگران معرفی کند. عوامل برزندگی زن در منظر عام که همچون ویژگی‌های زن ایده‌آل، هویت جنسیتی زنانه را از منظر فرد نمایان می‌سازد در افراد این تیپ شامل تعهد، مسئولیت‌پذیری، شجاعت، وفاداری و زیبا بودن است که به هویت زنانه مدرن نزدیک‌تر است تا به هویت زن سنتی.

خلاصه آن که در افراد غیرمذهبی هویت خانوادگی نسبت به ساکنان مذهبی خوابگاه‌ها ضعیف‌تر بوده و اکثریت آنها روابط صمیمانه‌ای با خانواده خود ندارند و هنگام بروز مشکل ترجیح می‌دهند آن را با افرادی غیر از خانواده در میان بگذارند. همچنین افراد غیرمذهبی نسبت به ساکنان

خوابگاه بی‌اعتماد بوده و به دلایل مختلف با آنها صمیمی نیستند، اما تیپ غیرمذهبی نسبت به تیپ مذهبی، از خوابگاهی بودن خود به میزان بسیار کمتری احساس حقارت می‌کنند و سعی در پنهان داشتن آن نمی‌کنند. عوامل برانندگی زن از نظر افراد تیپ غیرمذهبی وضعیت اقتصادی خوب، تحصیلات عالی، شاغل بودن، استقلال و خودکفایی، امنیت شغلی، اعتماد به نفس بالا، برخورداری از فضیلت‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، شجاعت، وفاداری، آراستگی و زیبایی ظاهری بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به قصد شناسایی چگونگی هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه در شهر تهران انجام گرفته که به لحاظ دانشجوی بودن، دوری از خانواده و شهرستانی بودن با هم مشابهت دارند. زندگی در شهری مدرن، سبب آشنایی با ارزش‌ها و هویت‌های جدید و ورود به زیست جهان خوابگاه و تعامل با معاشران خوابگاهی سبب آگاهی‌های جدید می‌شود و نگرش متفاوتی به این دانشجویان می‌دهد که چه بسا هویت فرهنگی آنها را دستخوش تغییر سازد و زمینه‌ای برای ایجاد برداشت‌ها و تفاسیر جدیدی از واقعیت‌های زندگی روزمره برای آنها فراهم می‌کند.

با توجه به مطالعات اولیه، با در نظر گرفتن نوع خوابگاه و گرایش دینی، افراد مورد مطالعه را در چهار تیپ مورد مطالعه قرار دادیم.

نزد افراد تیپ اول یعنی دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی تحصیلات بالا از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های یک زن ایده‌آل و عامل ارزشمندی و برانندگی زن است. پایبندی به اخلاقیات و مذهبی بودن نیز از دیگر ویژگی‌های یک زن ایده‌آل از دیدگاه آنها است. دانشجوی بودن یعنی هویت تحصیلی، هویت اجتماعی غالب آنهاست و اکثر افراد این تیپ خود را با آن معرفی می‌کنند. افراد این تیپ که با یک نظام ذهنی و عینی هماهنگ به تعریف هویت خود می‌پردازند و به سبب تبعیت از یک ساختار ذهنی سنتی و مذهبی دارای چالش‌های هویتی پایینی هستند، با ورود به محیط جدید و رویارویی با ارزش‌ها و ساختارهای مدرن در معرض چالش‌های هویتی قرار



می‌گیرند. در این تیپ تعلق خانوادگی و پایبندی دینی بالا بوده و این عوامل سبب حفظ انسجام و استواری هویت فرهنگی و اتخاذ موضع نقادانه شده و در نتیجه افراد این تیپ عمدتاً تأثیر کمتری از ارزش‌ها و نگرش‌ها و هویت‌های جنسیتی مدرن و مادی به‌ویژه در بعد اهمیت بدن و آراستگی‌های ظاهری می‌پذیرند که داده‌های میدانی نیز آن را نشان می‌دهد.

افراد تیپ دوم یعنی دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه دولتی دارای تعلق خانوادگی کمتر و پایبندی دینی پایین‌تری بودند. الزام به رعایت حجاب اسلامی و قوانین خوابگاهی سبب موضع نقادانه آنها به خوابگاه شده و حس تعلق به خوابگاه را نیز در آنها پایین آورده است. در ترسیم ویژگی‌های زن ایده آل افراد این تیپ از یک سو به ویژگی‌هایی چون تحصیلات عالی، شاغل بودن، استقلال و خودکفایی و مکنت مالی و از سوی دیگر به اخلاق شایسته، آراستگی و زیبایی ظاهری اشاره کردند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که این تیپ از دختران در مواجهه با سنت قرار دارند زیرا در اثر آشنایی با ارزش‌ها و نگرش‌ها و هویت‌های جدید به تدریج از فضای سنتی زندگی روزمره خارج شده و در فضای نیمه سنتی و نیمه مدرن جدید دستخوش چالش‌های هویتی شده، نسبت به فضای زندگی اطراف خود نگاه پرسش‌آمیز داشته و در دستیابی به ایده‌آل‌های خود فاصله‌ی زیادی مشاهده می‌کنند.

تیپ سوم یعنی دختران مذهبی ساکن خوابگاه‌های خصوصی احساس تعلق زیادی به خوابگاه نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند دوران زندگی خوابگاهی زودتر سپری شود. اکثر آنها اختلاف عقیدتی را عامل فاصله گرفتن و عدم صمیمیت با هم‌اتاقی‌های خود دانسته‌اند و ترجیح می‌دادند تا حد امکان زندگی‌شان در خوابگاه خصوصی را از دیگران پنهان کنند چون معتقد بودند در جامعه ذهنیت خوبی نسبت به آن وجود ندارد. با این حال غالب افراد این تیپ معتقد بودند که به ایده‌آل‌هایشان رسیده‌اند. هویت فرهنگی افراد این تیپ ترکیبی از هویت‌های مدرن و هویت‌های سنتی و دینی است. این دختران ضمن پذیرفتن برخی از ارزش‌ها و هویت‌های مدرن همچون اهمیت تحصیلات عالی و استقلال مالی برای یک زن، برای نقش‌های سنتی زن همچون کدبانوگری، همسر داری و مادری اهمیت بالایی قائل بوده‌اند.

افراد تیپ چهارم که شامل دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه‌های خصوصی بود ابایی از ابراز زندگی خود در خوابگاه خصوصی نداشتند، اما صمیمیت و احساس تعلق اغلب آنها با معاشران هم‌خوابگاهی‌شان پایین بود و نسبت به آنها بی‌اعتماد بودند. همچنین تعلق خانوادگی در نیمی از آنها پایین بوده و معمولاً با یکی از افراد خانواده خود مشکل داشتند. همچنین پذیرش بیشتری در قبال ارزش‌ها و نگرش‌ها و هویت‌های مدرن داشته و فردگرایی بیشتری در آنها وجود داشت به طوری که غالب آنها برای تعریف هویت خود به توانایی‌ها و ویژگی‌های فردی خود توجه و تاکید نمودند. به علاوه به دلیل پایین بودن تعلقات خانوادگی و تعلق کمتر به معاشران و حضور داشتن در فضای شخصی و غیربومی با چالش‌های هویتی و از خودبیگانگی کمتری مواجه بوده و اظهار کرده‌اند که به ایده آل‌های خود که عمدتاً به شخص خودشان مربوط است به میزان زیادی دست یافته‌اند. این افراد در تعریف زن برآزنده بیشتر به ویژگی فردی او همچون مسئولیت‌پذیری، زیبایی و آراستگی ظاهری، شجاعت و استقلال مالی اشاره کرده‌اند. در این تیپ افراد کمترین میزان پایبندی دینی و بیشترین میزان توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های مادی و خود آرایی دیده می‌شود.

مطابق آنچه در چارچوب مفهومی آورده شده در جوامع پیشامدرن و سنتی، به‌رغم وجود تفاوت میان بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی، انسان‌ها از طریق نوعی نظم معنایی یکپارچه‌ساز (معمولاً نظم دینی) که همه بخش‌های جامعه را در برمی‌گرفت به «یکپارچگی» می‌رسیدند، اما در جامعه شدیداً تقسیم‌شده جدید، بخش‌های گوناگون زندگی روزمره افراد آنها را به جهان‌های معنایی و تجربی کاملاً متفاوت و غالباً ناسازگاری مرتبط می‌کند. این بخش‌بندی نه تنها در سطح رفتار عینی و ملموس اجتماعی بلکه در سطح آگاهی (هویت) نیز نمایان است و پیامد مهم این چندگانه شدن، بروز دوگانگی در عرصه‌های عمومی و خصوصی است. در چنین شرایطی فرد معمولاً از وجود نوعی دوگانگی شدید بین جهان زندگی خصوصی خود و جهان نهادهای عمومی که از طریق نقش‌های گوناگونش با آنها پیوند دارد آگاه است. در درون هر کدام از این دو حوزه نیز چندگانگی وجود دارد. انسان در پیوند با این دو جهان، جابه‌جایی بین زیست‌جهان‌های مختلف را تجربه می‌کند به گونه‌ای که در قلمرو عمومی مجبور است که همزمان، با تعدادی از آنها



ارتباط برقرار کند. در قلمرو خصوصی نیز علی‌رغم تلاش فرد برای حفظ یکپارچگی نظم معنایی و زیست جهان خود، به دلایل متعدد مانند ازدواج، مهاجرت و حتی تمایل به زندگی خصوصی، از جهان مانوس خود فاصله می‌گیرد و با این چندگانگی‌ها مواجه می‌شود (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۶).

زندگی در کلان‌شهرهای امروزی، فرآیند چندگانه شدن قلمروهای عمومی و خصوصی را گسترش داده و هویت‌های فردی و اجتماعی را دستخوش دگرگونی و چندگانگی می‌سازد. از این رو در دنیای مابعد سنت، در اثر تکثر زیست جهان‌ها و هویت‌های متناظر با آن، انسان تقریباً محکوم به جست‌وجویی مداوم برای بازیابی خویش‌اش است. با درک این نکته روشن می‌شود که چرا امروزه احساس «از خودبیگانگی» و نیز بحران هویت همراه با آن، این چنین در میان جوانان شدید است و جوانی به طور همزمان به جایگاهی برای تجربه‌ی حادث‌ترین شکل از خودبیگانگی و نیز جست‌وجوی شدید برای کشف هویت‌هایی مطمئن تبدیل می‌شود (همان: ۸۰ و ۱۰۲).

در مرحله اول دگرگونی زیست جهان اجتماعی، شخص معمولاً به مقاومت در برابر ارزش‌های جدیدی که در معرض آن قرار گرفته است می‌پردازد. بر اساس دیدگاه برگر چنانچه فرد از ذخیره معرفتی [تربیتی یا دینی] استواری برخوردار باشد می‌تواند این وضعیت را مدیریت کند و از مسیرهای معمول و موجود زندگی آگاه شده و به چندگانگی مسیر زندگی خویش سامان بخشد. هم از این روست که در پژوهش ما افرادی که از آگاهی و تعلقات خانوادگی و گرایش‌های معنایی و دینی زیادی برخوردارند توانسته‌اند نگاهی نقادانه و تأمل‌انگیز به هویت‌های موجود (اعم از سنتی و مدرن) داشته باشند و برچالش‌های هویتی فایق آیند.

گونه دیگر از هویت فرهنگی در افراد مورد مطالعه ما مربوط به دخترانی است که در جریان قرار گرفتن در زیست جهان خوابگاه و محیط جدید و مدرن شهر تهران و با توجه به آزادی و رهایی از کنترل‌های سنتی خانوادگی و اجتماعی، مجذوب ارزش‌ها و هویت مدرن شده، آنها را پذیرفته و ارزش‌های سنتی و دینی اجتماع خود را نفی کرده سعی می‌کنند شبیه جامعه مدرن شوند. از این رو هنگام بازنمایی هویت فرهنگی خود از فرهنگ و ارزش‌های مدرن بهره بیشتری می‌گیرند.

دختران غیر مذهبی ساکن خوابگاه دولتی وارد این دوره از تکوین هویت فرهنگی شده‌اند. تعلقات خانوادگی و دینی در آنها کم‌رنگ شده و اهمیت حریم خصوصی در آنها افزایش می‌یابد. در این شرایط زندگی مستقل برایشان جالب می‌نماید، اما حتی این افراد نیز که احتمالاً دارای سرمایه‌ها و ذخیره معرفتی و عاطفی نسبتاً کمی هستند در این مرحله از بازسازی هویت فرهنگی باقی نمی‌مانند چون خصلت انسان مقاومت و تامل در ساختارها و هویت‌های موجود و بازتعریف و بازسازی آنهاست.

در این مرحله از بازسازی هویت، دختران، با افزایش آگاهی‌ها و ذخیره معرفتی و تجربیات جدید زندگی علی‌رغم همگونی نسبی با ارزش‌ها و ساختارهای مدرن و مطلوب شمردن زندگی مستقل خوابگاهی، به مقابله با ارزش‌های ساختاری جامعه جدید می‌پردازند. دانشجویانی که معاشرت با هم‌اتاقی‌ها و صمیمیت با دوستان خوابگاهی را در مرحله تثبیت برای کنار گذاشتن هویت‌های سنتی خود انتخاب کرده بودند اکنون نگاهی منفی به وضعیت خوابگاه پیدا کرده و موضعی انتقادی در برابر آن اتخاذ می‌کنند. در این شرایط مجدداً عدم یکپارچگی و چالش‌های هویتی در آنها پدیدار می‌شود که خود زمینه پیدایش هویت‌های ترکیبی جدید است. هرچه اندوخته‌هایی چون تحصیلات در مراتب بالای دانشگاهی و استقلال شخصیتی و مالی و قدرت نقادی آنها بیشتر شود این مرحله زودتر در آنها بروز می‌کند و آسان‌تر می‌توانند به انسجام هویتی جدید دست یابند.

دانشجویان غیرمذهبی ساکن در خوابگاه‌های خصوصی را به لحاظ تعاریفی که از هویت خود ارائه می‌دهند می‌توان در این مرحله از تکوین هویت فرهنگی مشاهده کرد. دانشجویانی که ساختارهای سنتی (مذهبی، قومی، محلی و...) را نفی کرده و سعی می‌کنند هویتی مستقل از ارزش‌های مسلط در جامعه ارائه دهند. تعریفی که اگرچه با ارزش‌ها و هویت‌هایی که مدرنیته غربی به آنها معرفی کرده تناظر بیشتری دارد، اما تردیدها و تناقض‌های هویت مدرن نیز در آن نهفته است؛ زیرا، نوع دیگری از تسلط فرهنگی را در این انتخاب به ظاهر فردی و آگاهانه تشخیص می‌دهند.



منابع

- باقریان فر، مصطفی؛ سیادت، علی و لهرابی، یعقوب. (۱۳۹۷). تبیین مؤلفه‌های هویت اجتماعی دانشجویان بر اساس استفاده از برنامه‌های پیام رسان موبایلی. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۴)، ۷۹-۹۸.
- برات دستجردی، نگین. (۱۳۹۳). بررسی نقش شبکه‌های سایبری بر هویت فرهنگی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۵(۲): ۱۵۹-۱۷۰.
- برگر، پیتر و همکاران. (۱۳۹۴). *ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی*. ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- جوادی یگانه، محمد رضا و عزیزی، جلیل. (۱۳۸۷). هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱(۳): ۱۸۳-۲۱۴.
- سفیری، خدیجه و کلانی، سمیه. (۱۳۹۵). چالش‌های هویتی زندگی روزمره جوانان در بستر تفاوت و تضادهای نسلی. *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱): ۹۹-۱۲۴.
- صدیق سروستانی، رحمت اله و قادری، صلاح الدین. (۱۳۸۸). ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مولفه‌های سنتی و مدرن. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۳۵-۶۵.
- صلواتیان، سیاوش و دولتخواه، مهدی. (۱۳۹۶). تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت فرهنگی دانشجویان. *رسانه و فرهنگ*، ۷(۱۳): ۴۹-۶۶.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۲). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کریمی، جلیل؛ محمد پور، احمد و قادری، صلاح الدین. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی و مسئله هویت ایران (فراتحلیلی از مطالعات نظری و پژوهشی هویت). *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۳(۱): ۲۹-۵۸.
- کلاهی، محمدرضا. (۱۳۹۰). دینداری و جهانی شدن. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۷(۲۴): ۴۵-۹۴.

- کوش، دنی. (۱۳۸۹). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی. ترجمه فریدون وحیدا، تهران: سروش.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۷). جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- معین، محمد. (۱۳۹۳). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیر کبیر.

- Bagherianfar, M., Siadat, A. and Lohrabi, Y. (2018). An explanation of the social identity components of students on the basis of cellphone social networks. *Journal of applied sociology*, 29(4):79-98(Text in Persian).
- Barat Dastjerdi, N. (2014). A study on the role of cyber networks on the cultural identity of Isfahan university students. *Journal of Applied Sociology*, 25(2): 159-170(Text in Persian).
- Berger, P. L., Berger, B. and Kellner, H. (1973). *The homeless mind: Modernization and consciousness*. translated by M. Savoji, Tehran: Nay Publications (Text in Persian).
- Daphne, J. (2007). Reconceptualizing Cultural Identity and its Role in Intercultural Business Communication. *Journal of Business Communication*, 14(2): 199-235.
- Denzin, N.K. and Lincoln, Y. S. (2011). *The SAGE Handbook of Qualitative Research (Sage Handbooks)*. Sage Publications.
- Flick, Owe (2013). *An Introduction to the Qualitative Research*. Translated by H. Jalili, Tehran: Nay Publications (Text in Persian).
- Giddens, A., (2018). *Sociology*. Translated by H. Chavoshian, Tehran: Nay (Text in Persian).
- Heis, D. R. (1998). *Conditions for Empathic Solidarity, in Patrick Doreian and Thomas Fararo, the Problem of Solidarity, Theories and models*. Amsterdam: Gordon and Breach.
- Holland, D. (1998). *Identity and Agency in Cultural Worlds*. Harvard University Press.
- Javadi Yeganeh, M. R., Azizi, J. (2008). The socio-cultural identity of the young in Shiraz city with respect to the media factor. *Journal of Cultural Researches of Iran*, 1(3):183-214 (Text in Persian).
- Karimi, J., Mohammadpour, A., Ghaderi, S. (2012). Sociology and the components of Iranian Identity (A meta-analysis of the theoretical and empirical studies on Identity. *Journal of National Studies*, 13(1):29-58 (Text in Persian).
- Kolahi, m. R., (2011). Religiosity and Globalization. *Journal of Cultural studies and communication*, 7(3):65-94 (Text in Persian).
- Kush, D. (2000). *The concept of culture in the social sciences*. translated by F. Vahida, Tehran: Soroush Publications (Text in Persian).
- Lawers, S. (2008). *Identity: Sociological Perspective*. Cambridge: Polity Press.



- Mathews, G. (2000). *Global Culture/Individual Identity: Searching for home in the Cultural Supermarket*. London: Routledge Press.
- Moein, M. (2014). *Moein Persian dictionary* (Volume 4). Tehran: Amirkabir Publications (Text in Persian).
- Nell, D. F. and Kroeze, J. (2008). *Information Technology as an Agent of Post Modernism*. University of Pretoria.
- Safiri, Kh., Kalani, S.(2016). The identity challenges of the youth's everyday life in the context of inter-generational differences and conflicts. *Journal of Social Problems of Iran*, 7(1): 99-124(Text in Persian).
- Salavatian, S., Dowlatkhah, M. (2017). The impact of cellphone social networks on the cultural identity of students. *Journal of Media and Culture*, 7(1):49-66 (Text in Persian).
- Sedigh Sarvestani, R., Ghaderi, S(2009). Sociocultural and political dimensions of students' identity on the basis of traditional and modern components. *Journal of Cultural Researches of Iran*, 2(4):35-65 (Text in Persian).
- Strauss, A. and Corbin, J. (2014), *Basics of qualitative research techniques and procedures for developing grounded theory* (Fourth Edition). California: Sage Publications.